

حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی

سخنان شما را دیشب از تلویزیون شنیدم؛ با لحنی عصبی از مسئولین مملکت می‌خواستید که اختلافات را کنار بگذارند و از روزنامه‌ها طلب می‌کردید که مطالب تفرقه‌انگیز ننویسند و سرانجام مسئولان کشور را تهدید کردید که نکنند کاری را که شما مجبور شوید آنچه را که به آنها داده‌اید از آنها پس بگیرید.

مشکل کار مملکت ما در همین است که مسئولان کشور منتخب مردم نیستند و در برابر مردم احساس مسئولیت نمی‌کنند؛ روزی که شما در تقریرات خود در نجف در زمینه‌ی ولایت فقیه گفتید که «قیم ملت با قیم صغار از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد»، سنگ بنای این دورنمای تاریک و خوفناک در سرنوشت انقلاب ایران گذاشته شد.

با تکیه به همین تلقی است که امروز مسئولین اصلی امور کشور که همه از منصوبین و منتخبین شما و مورد حمایت شما هستند مردم را صغاری می‌دانند که باید بدون اراده از قیم‌های خود اطاعت کنند. اگر فراموش نکرده باشید پس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی شخص شما بودید که با انتخاب مستقیم رییس دیوان کشور و دادستان دیوان کشور بدون مشورت با شورای عالی قضایی نخستین گام را در راه عدول از قانون اساسی جمهوری اسلامی برداشتید؛ اگر به خاطرتان باشد در هنگامی که مسأله‌ی ولایت فقیه و شورای نگهبان در مجلس مطرح شد من نوشتم که در قانون اساسی سلطنتی هم قدرت و حاکمیت شاه هرگز مافوق قانون و فراتر از حاکمیت مردم و ملت نبود؛ در حالی که در قانون اساسی جمهوری قدرت فقیه و شورای نگهبان قدرتی مافوق قانون و غیر مسئول در برابر حاکمیت مردم شناخته شده است؛ من به صراحت نوشتم وضع نظامی که به قدرت مطلقه مشروعیت و حقانیت قانونی بخشیده است، در آینده انقلاب و جامعه‌ی ما را به کجا خواهد برد؟

من در همان هنگام نوشتم که قدرتی که منتخب مردم و نمایندگان واقعی آنها نیست و از هرگونه مسئولیت و پاسخگویی نسبت به اعمال و تصمیم‌های خود فارغ و آزاد است چگونه می‌تواند به اصل «و شاورهم فی الامر و امرهم شوری بینهم» مقید بماند و اصولاً فرد یا افرادی که مردم را صغیر بدانند یعنی مردم را قابل و لایق دخالت و نظارت در سرنوشت خود ندانند چگونه می‌توانند مصالح مردم را تشخیص بدهند و مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جامعه را حل کنند؟

و امروز می‌بینید که نه اینکه مسائل و مشکلات ناشی از سال‌های طولانی حکومت فساد و غارت خانوادگی پهلوی در مسیر حل و فصل قرار نگرفته است، بلکه تلقی شما از حکومت و ولایت فقیه که مردم را باید مثل صغار مرفوع‌القلم و نابالغ و یا دیوانه‌های مهجور از عقل و شعور اداره کرد، کار مملکت و سرنوشت مردم را به صحنه‌ی جدال و نزاع بین منصوبین و منتخبین شما برای رسیدن به قدرت مطلقه و خالی کردن میدان از هرگونه مخالف و رقیب با استفاده از هر وسیله خشونت بار محدود کرده است.

آن روزی که من پس از پیروزی انقلاب نوشتم که مملکت را به گونه‌ی پدرسالاری و شیوه‌ی مرسوم دوران خلفا نمی‌توان اداره کرد به خاطر اجتناب از اوضاعی بود که امروز مملکت را در گرداب تفرقه و جنگ و عوام‌فریبی و دروغ و فساد و غارت بیت‌المال مردم فرو برده است. چه کسانی مملکت را تبدیل به صحنه‌ی جدال بین خود کرده‌اند؟ چه کسانی امروز در رأس مقامات عالی مملکت بدون اعتنا به مردم و احترام به حقوق قانونی و آزادی‌های اساسی آن‌ها بر سر تصاحب قدرت مطلقه و خفه کردن آزادی کاری جز توطئه و تبلیغ و سخنرانی و مصاحبه و تجهیز گروه‌های فشار ندارند؟ چه کسانی شیوه‌های استالینی حکومت قرون وسطایی سلطان سعید بن تیمور را بر مردم مستقر کرده‌اند؟ چه کسانی امروز با پول مردم و با زور چوب و چماق بر مطبوعات و رادیو و تلویزیون مسلط شده‌اند؟ چه کسانی به نام فقیه و حاکم شرع بر همه اموال و انفس مردم بی‌دریغ و بدون کوچک‌ترین نظارتی مسلط شده و حتی حق دفاع و استغاثه و دادخواهی را نیز از مردم بی‌گناه در دادگاه‌ها و زندان‌ها و ادارات گرفته‌اند؟ چه کسانی در مملکت اسلامی با تشکیل انجمن‌های اسلامی شیوه‌ی نفاق‌افکنی و تفرقه‌اندازی و کین‌خواهی و تسویه حساب‌های خصوصی را بر سرنوشت کارمندان سازمان‌های دولتی و دستگاه‌ها و مؤسسات خصوصی مسلط کرده‌اند؟

چه کسانی با اشغال سفارت و گروگان‌گیری، راه نفوذ مجدد امپریالیسم آمریکا و نابودی میلیارد‌ها دلار اندوخته‌های ایران را برای سرمایه‌داران و بانکداران آمریکا هموار کردند و سرانجام با قبول خفت و خواری در برابر آمریکا تسلیم شدند و این تسلیم و تحقیر را به زور تبلیغ و سانسور و جو اختناق و هوجی‌گری سفیران بزرگ‌ترین پیروزی تمامی تاریخ بشر!!! معرفی کرده‌اند؟

چه کسانی برای پیشبرد مقاصد خود جهت تسلط بر قدرت و سوءاستفاده از نفوذ و حرمت شما در نزد مردم شما را از مرحله‌ی امامت و پیامبری گذرانده و به مرحله‌ی خداگونگی رسانده‌اند؟

و شعار امام و امت را با استفاده از همان شیوه های تملق و چاپلوسی جایگزین شعار شاه و ملت کرده اند؟

شما اکنون به افرادی که خود آن ها را در راس مقامات مهم کشور نشانده اید می گوئید که اگر اختلافهای خود را کنار نگذارند آن چه را که به آنها داده اید از آنها پس می گیرید؟ اما این دواى درد این جامعه نیست. شما بدون آن که درباره صلاحیت آنها تردید کنید ؛ درباره صلاحیت کسانی که به همه اعتماد و حسن ظن شما و امید و مصلحت مردم محروم جامعه ما به خاطر منافع و مقاصد خصوصی و گروهی خود پشت پا زده اند اکنون آن ها را دعوت به سازش می کنید.

اما سازش بر سر چه؟ آن ها اگر به انقلاب و دستاوردهای انقلاب و رهایی مردم محروم ما از اسارت اقتصادی امپریالیزم و فقر و بیکاری و بیسوادی و استثمار ایمان و اعتقاد داشتند؛ اینچنین تا پای اضمحلال و نابودی انقلاب و استقلال ایران و پایمال کردن حقوق قانونی مردم و خونهایی پاک هزاران شهید راه آزادی ملت با یکدیگر و با مردم به ستیز بر نمی خاستند. آنها همانطور که اشغال سفارت آمریکا و گروهان گیری را به قیمت احیای قدرت نظامی و اقتصادی و سیاسی امپریالیزم وسیله تحکیم قدرت خود و سرکوب انقلابیون راستین کشور قرار دادند؛ حتی تا پای شکست ایران در جنگ با دشمن متجاوز عراق و تسلیم ایران نیز در جهت استقرار قدرت مطلقه خود بر مردم ایستاده اند.

بنابراین اگر آنها صلاحیت اداره ی امور وطن بحران زده ما را داشتند کار را در توطئه چینی و نفاق افکنی و سرکوب اندیشه و تفکر انتقادی به جایی نمی رساندند که شما امروز آنها را به پس گرفتن آنچه که به آنها داده اید تهدید کنید؛ همه تلاش آنها این است که با استفاده از نفوذ و حرمت شما زمینه را برای حکومت بلامنازع خود بعد از شما آماده کنند و شما لحظه ای این دورنما را در پیش چشمان خود مجسم کنید که این افراد که بعد از شما با آماده کردن همه طرحهای توطئه و تجاوز چه بلایی بر سر استقلال مملکت و حقوق قانونی مردم محروم آن که همه امید خود را به پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم جبار پهلوی بسته بود چه خواهند آورد؟

والسلام

علی اصغر حاج سید جوادی

پنج شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۵۹